

معاشرت نیکو با اهل سنت در منطق اهل بیت «علیهم السلام»



حجت الاسلام مهدی مسائلی

این توصیه ای دینی است نه سیاسی!

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، که همه ساله به مناسبت ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) صورت می گیرد، بر موضوع وحدت اسلامی تأکیدی دوباره داشتند و فرمودند: «بارها تکرار کرده ایم؛ بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده ی حقّ شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار میکنید؟ اوّل شروع میکنید به مقدّسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بکلاّی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست.»

سوگمندان به باید گفت بعضی از متدینین این سخنان و تأکیدات رهبری انقلاب را توصیه ای سیاسی و حکومتی تلقی می کنند و عمل به آن را از وظایف دینی خویش به حساب نمی آورند، بلکه حتی بعضی این سخنان را

مخالف وظایف و دستورات دینی و مذهبی شیعه تلقی می کنند، این درحالی است که موضوع وحدت اسلامی یکی از وظایف مهم دینی و مذهبی می باشد که ائمه - علیهم السلام - نیز بسیار آن را تأکید قرار داده اند؛ به گونه ای که آن بزرگواران ضمن تأکیدهای فراوان بر ضرورت حفظ اتحاد مسلمین، توجه به آن را از وظایف اصلی شیعیان در برخورد با اهل سنت می دانسته اند.

زینت ما باشید نه ننگ و عار ما!

حقیقت این که ائمه ی اطهار - علیهم السلام - شیعیان را در فضایی بسته و جدای از سایر مسلمانان در نظر نمی گرفتند بلکه به نوع روابط ایشان با اهل سنت و نیز نوع بینش آنها درباره ی شیعیان اهمیت زیادی می دادند. آنها بر ترسیم چهره ای خوب و درخشان از شیعه در اذهان عمومی مسلمانان تأکید فراوانی داشتند و برای این امر، راهکارهای مختلفی بیان می فرمودند که مهمترین آنها تأکید بر مجالست و معاشرت نیکو با اهل سنت و خوش رفتاری با آنها بود؛ زیرا این گونه رفتار، افزون بر این که تبلیغی مؤثر برای ماهیت شیعه در ذهنیت اهل سنت می باشد، با برطرف نمودن بسیاری از تعصبات کور مذهبی و یا سوء تفاهمات میان مسلمانان، آنها را از افتادن در گرداب اختلاف مصون دارد، از همین رو امام صادق - علیه السلام - در این باره می فرمایند:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! إِنَّكُمْ قَدْ نُسِيتُمْ إِيْلَيْنَا كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا؛ مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَكُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِيٍّ - رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - فِي النَّاسِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لِيَكُونَ فِي الْقَبِيلَةِ فَيَكُونَ إِمَامَهُمْ وَ مُؤَدِّزَهُمْ وَ صَاحِبَ أَمَانَاتِهِمْ وَ دَائِرِعِهِمْ عُدُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ لَا يَسْبِقُوكُمْ إِيْلَى خَيْرٍ فَأَنْزَلْتُمْ وَاللَّهِ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ. ثُمَّ الْتَفَتَ نَحْوِي وَ كُنْتُ أَحَدَثَ الْقَوْمِ سِنًّا فَقَالَ: وَ أَنْزَلْتُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ! إِيْسَاكُمْ وَ الْوَسَادَةَ [الرُّؤُسَاءَ عُدُوهُمْ] دَعُوهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذُنَابًا وَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ» [1]: ای گروه شیعه! شما بید که به ما منسوب اید؛ برای ما زینت باشید نه مایه ی ننگ و عار. چه مانعی دارد که همانند یاران علی - رضوان الله علیه - در بین مردم باشید؟ که اگر مردی از یاران او در بین قبیله ای قرار می گرفت امام و مؤذن آنها بود و امانتدار و محافظ مال آنان. مریضان آنان را عیادت کنید و در تشییع جنازه ی آنان حاضر شوید و در مساجدشان نماز بگذارید. نگذارید در امر خیر از شما پیشی گیرند، به خدا قسم شما سزاوارتر از آنها به آن امر هستید. راوی می گوید: سپس امام - علیه السلام - رو به من که در آنان از همه جوانتر بودم کرد و فرمود: و شما ای

جوانان! بپرهیزید از تکیه دادن به پشتی [بزرگان، به عیادت آنها بروید] [با عملتان] بخوانیدشان تا حدی که آنها دنباله رو شما شوند و خداوند برای شما بهتر از آنان است.»

خدا جعفر را بخاطر اصحابش رحمت کند!

این روایت و روایات دیگری از این دست نشان می دهد که چگونه افرادی خودخواهانه بدون در نظر گرفتن ملاحظات تبلیغی مکتب اهل بیت علیهم السلام به اعمالی دست می زنند که عامه ی مسلمانان را نسبت به مذهب تشیع بدبین و منزجر می کند، چنانچه در روایت دیگری نیز آن حضرت به زید شحام فرمودند:

«يَا زَيْدُ! خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَتَمَّةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكَتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ فَعَلَّ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ» [2]؛ ای زید! با مردم [یعنی عامه و اهل تسنن] با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگذارید و مریضانشان را عیادت کنید و در تشیع جنازه هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آنها شوید این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خدا او را رحمت کند چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خداوند جزایش را بدهد چه اصحابش را بد تربیت کرده است.»

با آنها نماز بگذارید

همچنین آن حضرت در روایت دیگری نیز به هشام کندی فرمودند:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا لَا يُعَيِّرُونَ بِهٖ فَإِنَّ وِلْدَانَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْكُمْ إِلَيْهِ زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ عُدُّوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَّا شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهِ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَيْرِ قُلْتُ: وَ مَا الْخَيْرُ؟ قَالَ:

التَّقِيَّةَ [3]: مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند، همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کنند، برای کسی که به او دل داده اید [؛امام خود] زینت باشید و عیب و ننگ مباحثید، در میان خاندانهای آنها نماز بگذارید [به نماز جماعت عامه حاضر شوید] و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه ی آنها حاضر شوید، مبادا آنها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آنها سزاوارتر اید، به خدا سوگند که خداوند به چیزی که برایش محبوب تر از خبء [؛ نهانکاری] باشد عبادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمود: تقیه.»

همان طور رفتار کنید که ما رفتار می کنیم

کوتاه سخن این که اگر کسی سیره ی اهل بیت - علیهم السلام - را به عنوان الگویی برای زندگی خویش انتخاب نموده باشد و در این مسیر شیعه ی واقعی آن بزرگواران بوده باشد، هیچ گاه در انتخاب چنین روش برخوردی با اهل سنت دچار شک و تردید نخواهد شد، چنان که معاویه بن وهب می گوید:

«قُلَاتُ لِلْأَبِيِّ عَيْدِ اللَّاهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيِّنَدَنَا وَ بَيِّنَ قَوْمِنَا وَ فِيمَا بَيِّنَدَنَا وَ بَيِّنَ خُلَاطَائِنَا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ عَلَايَ أَثَرِنَا قَالَ: تَنْظُرُونَ أَ تَمَّتْكُمُْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ كَمَثَلِ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّاهِ إِنْ هُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَايَهُمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ» [4]: به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: رفتار بایسته ی ما با اقواممان و آنان که با آنها معاشرت داریم شیعه هم نیستند چیست؟

امام - علیه السلام - فرمودند: به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنان پیروی کنید، آن گونه که آنان رفتار می کنند شما نیز همان طور رفتار کنید، به خدا سوگند آنان به عیادت بیمارانشان غیر شیعیان می روند و بر جنازه هایشان حاضر می شوند و به سود و ضرر آنها [هرچه حق باشد] گواهی می دهند و امانتهای آنان را به آنها بر می گردانند.»

جالب اینجاست که امام - علیه السلام - در روایتی دیگر ضمن تأکید بر این مطلب، به راوی می فرمایند:

«أَ تَخَافُونَ أَنْ نَضِلَّكُمْ؟! لا وَاللَّاهِ لا نَضِلُّكُمْ أَبَدًا! [5]: آیا می ترسید گمراهتان کنیم؟! نه به خدا هرگز شما را گمراه نمی کنیم!»

از این روایت به دست می آید که پذیرش چنین رفتاری با اهل سنت در زمان اهل بیت - علیهم السلام - برای اصحاب خاص ایشان نیز مشکل بوده است.

در این جا مناسب است همه را به فتوایی از آیت العظمی وحید خراسانی توجه دهیم که منبع و مستند آن، همین روایات نورانی اهل بیت - علیهم السلام - است:

سؤال: باسمه تعالی. ما جمعی هستیم ساکن در محلی که اهل سنت زندگی می کنند و آنها ما را کافر می دانند و می گویند شیعه کافر است در این صورت آیا ما هم می توانیم با آنها معامله به مثل کنیم و همان طوری که آنها ما را کافر می دانند ما هم با آنها معامله ی کفار کنیم. مستدعی است وظیفه ی شرعی ما را در مقابل این حملات بیان کنید. امضاء: جمعی از مؤمنین

پاسخ ایشان: بسم الله الرحمن الرحيم/ هر کس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله و سلم - بدهد مسلمان است و جان و عرض و مال او مانند جان و عرض و مال کسی که پیرو مذهب جعفری است محترم است. و وظیفه ی شرعی شما آن است که با گوینده ی شهادتین هر چند شما را کافر بدانند به حسن معاشرت رفتار کنید و اگر آنها به ناحق با شما رفتار کردند شما از صراط مستقیم حق و عدل منحرف نشوید؛ اگر کسی از آنها مریض شد به عیادت او بروید و اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه ی او حاضر شوید و اگر حاجتی به شما داشت حاجت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: «و لا یجزم منکم شذآن قَوْمِ عَلَیْ اَلَا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلسَّقْوَةِ» [6] و به فرمان خداوند متعال عمل کنید که فرمود: «و لا تَقُولُوْا لِمَنْ اَلْقَى اِلَیْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» [7] و السلام علیکم و رحمة الله [8]

پا نوشت:

[1]. علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص 134، ح 311 و بحار الأنوار، ج 85، ص 119.

[2]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 383 و شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 8، ص 430. (سند این روایت صحیح است. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن زید الشامی)

[3]. شیخ کلینی، کافی، ج2، ص219؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج16، ص219 و بحار الانوار، ج72، ص431. (محمد بن یعقوب] عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن هشام الکندی])

[4]. شیخ کلینی، کافی، ج2، ص636؛ علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص123؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج12، ص6. (سند این روایت صحیح است. محمد بن یعقوب] عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن معاویة بن وهب])

[5]. علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص123 و بحار الأنوار، ج85، ص119.

[6]. مائده، 8؛ «و دشمن گیری گروهی به تبهاریتان نیندازد که دادگری نکنید، دادگری کنید، این به پرهیزکاری نزدیکتر است.»

[7]. نساء، آیه ی 94؛ «و به کسی که اطهار اسلام [یا صلح و آشتی] می کند نگویید از مؤمنان نیستی.»

[8]. منبع: سایت معظم له www.khorasani-vahid.ir

برگرفته از مجله الکترونیکی اخوت